

# مجله انسکده ادبیات علوم انسانی

شماره دوم سال هفدهم

۱۳۴۸

(شماره مسلسل ۷۲)

دی - اسفند

سر خلال دندان را باید به زمین مالید؟

دکتر ماهیار نوابی

استاد و رئیس گروه زبانشناسی

در متن پهلوی «اندرز دستوران به بهدینان» پرسش و پاسخی است که معنی آن روشن و یا اقلًا دلچسب نیست و بایستی در آن تحریفی راه یافته باشد.

این متن یعنی «اندرز دستوران به بهدینان» جزء مجموعه‌ای است<sup>۱</sup> به نام «متن‌های پهلوی» که دستور جاماسپ جی مینوچهر جی جاماسپ آسانا آن را از روی دستنویسی به خط میهرآبان کیخسرو به نشانه MK و با مقابله با چند دستنویس دیگر به نشانه‌های JJ و DP و TD و TDa و JU فراهم آورده است و نزدیک به یک سیتم آن را (= جلد نخست) در شهر بمبئی به سال ۱۸۹۷ به چاپ رسانده است. جلد دویم آن نیز بایش گفتاری

به قلم بهرام گور تمهورث انکلساریا در همان شهر به سال ۱۹۱۳ چاپ شده است.<sup>۱</sup>  
 شرح دستنویس‌های یاد شده در پیش‌گفتار انکلساریا آمده است و از یاد کردن  
 آنها در این جا پرهیز از درازنویسی را، خودداری می‌کنیم.  
 این متن را دستور کیخسرو و جاماسپ جی جاماسپ آسا به انگلیسی ترجمه کرده است  
 و ترجمه او را در یادنامه مدرسه سیر جمشید جی جی جی بهای<sup>۲</sup> صفحه‌های ۸۴ تا ۸۸ چاپ  
 شده است و چنانکه از نامش پیداست اندرزهایی است که دستوران و پیشوایان دین مزدیسنی  
 به پیروان خویش (= بهدینان) داده‌اند و بیش از نیمی از آن، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است  
 که مسایل دینی و فقهی در آنها طرح و جواب گفته شده است.

پرسش‌های یاد شده اینهاست که همه با عبارت « پرسید که » آغاز می‌شود:  
 پرسش نخست (§ ۱۲): « اندر [تن] خرفستران<sup>۳</sup> جان که کرد؟  
 پرسش سیم (§ ۲۰): به دوزخ از طرف هر مرد کسی گهاشته شده است که روان  
 دروندان را باد افراه نماید یا نه؟  
 پرسش چهارم (§ ۲۸): این کرفه و گناه را گزارشی نیکو کدام است؟  
 پرسش پنجم (§ ۳۱): گوشت مُردار چرا نخورند؟  
 پرسش ششم (§ ۳۴): به خانه‌ای که [در آن] کسی درگذرد (= بمیرد) اندر  
 سه شب گوشت تازه چرا نخورند؟  
 برای هریک از این پرسش‌ها پاسخی در خور و مناسب با سنن دینی داده شده است.

۱ - Pahlavi Texts. Edited by Jamaspji Dastur Minocheherji Jamasp-Asana - [vol.] I. Bombay 1897. [vol.] II. with an Introduction by Behramgore Tahmuras Anklesaria, Bombay 1913.

۲ - Sir Jamsetjee Jejeebhoy Madressa Volume. Papers on Iranian subjects - written by various scholars in honour of the Jubilee of sir Jamsetjee Jejeebhoy Zarthoshti Madressa. Edited by J. J. Modi. Bombay 1915.

۳ - جانوران اهریمنی .

اما پرسش دوم (§ ۱۸) و پاسخ آن (§ ۱۹) که موضوع این مقاله است چنین است:

سوال اول: آیا باید سر خلال دندان را با خاک مالید؟  
 پاسخ: بله، زیرا سر خلال دندان را باید با خاک مالید تا از آلودگی پاک شود و همچنین به دلیل باورهای دینی، مالیدن آن به خاک نشانه‌ی پاکیزگی است.  
 سوال دوم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا آب به تنهایی برای پاک کردن سر خلال دندان کافی نیست و مالیدن آن به خاک ضروری است.  
 سوال سوم: آیا باید سر خلال دندان را با سرکه مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا سرکه اگرچه خاصیت ضدعفونی‌کننده دارد، اما مالیدن آن به سر خلال دندان می‌تواند به دندان آسیب بزند.  
 سوال چهارم: آیا باید سر خلال دندان را با روغن مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا روغن می‌تواند باعث چسبندگی باقی‌مانده‌ی غذا به سر خلال دندان شود.  
 سوال پنجم: آیا باید سر خلال دندان را با نمک مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا نمک می‌تواند به دندان آسیب بزند و باعث حساسیت دندان شود.  
 سوال ششم: آیا باید سر خلال دندان را با پودر دندان مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا پودر دندان می‌تواند باعث آسیب به مینای دندان شود.  
 سوال هفتم: آیا باید سر خلال دندان را با گلاب مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا گلاب اگرچه بوی خوشی دارد، اما مالیدن آن به سر خلال دندان بی‌فایده است.  
 سوال هشتم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با خاک مالید؟  
 پاسخ: بله، زیرا این روش می‌تواند به پاک کردن سر خلال دندان کمک کند و همچنین به دلیل باورهای دینی، مالیدن آن به خاک ضروری است.  
 سوال نهم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با سرکه مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا این روش می‌تواند به دندان آسیب بزند.  
 سوال دهم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با روغن مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا این روش می‌تواند باعث چسبندگی باقی‌مانده‌ی غذا به سر خلال دندان شود.  
 سوال یازدهم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با نمک مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا این روش می‌تواند به دندان آسیب بزند و باعث حساسیت دندان شود.  
 سوال بیستم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با پودر دندان مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا این روش می‌تواند باعث آسیب به مینای دندان شود.  
 سوال بیست و یکم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با گلاب مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا این روش بی‌فایده است.  
 سوال بیست و دوم: آیا باید سر خلال دندان را با آب مالید و سپس با آب مالید؟  
 پاسخ: خیر، زیرا آب به تنهایی برای پاک کردن سر خلال دندان کافی نیست.

دستور جاماسب آسا این دو بند را چنین ترجمه کرده است:

۱ - ترجمه انگلیسی وی عیناً نقل می‌شود: § 18: Q.- Should the end of the tooth pick (avar-gir va dandân parîsh) be rubbed with earth or not?

§ 19: A.- They should be (rubbed with earth) for the reason that when the good perform the Myazd ceremony through the power of the angels, men (participating in the ceremony) have with them avar-gir and the tooth-pick in advance of their frêh-but meal, and Aharman and the demons and (his) miscreation sustain thereby grievous injury; but if the ends of the avar-gir and the tooth-pick are not rubbed with earth, then they become the tools and implements of Aharman and the demons: hence they should be made perfect by the (necessary) strength.» Madressa Jubilee vol. p. 68.

§ ۱۸ : آیا باید سر خلال دندان (اَوَرگِیر و دندان پریش «avargîr va dandân Parish») را به زمین مالید یا نه ؟ و همو خود در خواندن واژه اَوَرگِیر شک کرده و در زیر صفحه ۸۶ (ش ۱) چنین می نویسد : « این واژه را می توان avarsar نیز خواند و در این صورت ممکن است آن را ابزاری برای آرایش سر دانست ولی عبارت بعد با این معنی راست نمی آید. شاید بتوان آن را اَوَرگِیر خواند یعنی ابزاری که با آن بتوان چیزی را برداشت و بنابراین ممکن است با واژه بعد یعنی دندان پریش dandân Parish (= خلال دندان ، مسواک) یکی باشد . »

§ ۱۹ : باید (به زمین مالید) ، زیرا چون [مرد] نیکک [متن = vĕhān = بهان ، نیکان] به نیروی فرشتگان مییزدی ترتیب دهد آنها که به برگزاری این آیین خوانده شده اند ، پیش از آن که به خوراک فراوان (= frĕh-but) دست یازند ، با خود اورگِیر و دندان پریش (= خلال ، مسواک) دارند و اهریمن و دیوان و آفریدگان زشتش از آن رنج و درد فراوان می برند ؛ اما اگر سر اَوَرگِیر و خلال دندان به زمین مالیده نشود ، آنها به افزارهای اهریمن و دیوان پیوندند ، از اینرو آنها را (یعنی اَوَرگِیر و خلال را) باید با نیروی لازم کامل کرد (؟) و این نیرو با مالیدن آنها به زمین بدست می آید<sup>۲</sup> !

خلال دندان یا مسواک چوبی است نرم و تقریباً به کلفتی انگشت کوچک که هنوز هم گاهگاه در «جاماز» مسلمانان ایرانی همراه با مهر و تسبیح دیده می شود و پاک کردن دندان را بدان پیش از برخاستن به نماز از مستحبات می دانند . این سنت در آیین مزدیسنی نیز وجود دارد . مسأله هایی مانند این که : اگر در هنگام نماز پاره کوچکی از غذا در دهان و میان دندان ها مانده باشد و نماز گزار در هنگام نماز از آن آگاه شود چه باید کرد : نیاز به خلال را در هر دو آیین ، می رساند<sup>۳</sup> .

۱ - نک. زیر صفحه ۸۶ ، شماره ۵ .

۲ - نک. زیر صفحه ۸۶ ، شماره ۶ .

۳ - نک. روایات داراب هرمزدیار جلد ۲ ، ص ۴۶۴ .

فرهنگ‌های فارسی<sup>۱</sup> دندان پریش ، دندان اپریش ، دندان پریش ، دندان اپریش ، دندان اپریش ، دندان فریز و دندان افریز را به معنی دندان کاو و خلال یا چوبی که میان دندان‌ها را بدان پاک کنند، آورده‌اند ولی «اورگیر» (یا ابرگیر یا ابرگیر = سر (د) ) در هیچ یک از فرهنگ‌ها یافت نمی‌شود .

سخن در این جاست که آیا باید سر دندان پریش (= خلال، دندان کاو) و اورگیر را (اگر چیزی به این نام وجود داشته باشد) به زمین مالید یا نه ؟ و آیا این عبارت درست خوانده شده است ؟

تا آنجا که من می‌دانم ، میان ایرانیان چنین سنتی وجود ندارد ، در آیین مزدیسنی و مسلمانی که هر دو پاکیزگی و طهارت را ستوده و از واجبات دانسته‌اند، در هیچ یک چنین کاری توصیه نشده است . در اندرزنامه‌های دیگر پهلوی چنین چیزی دیده نمی‌شود . در کتاب‌های دینی و فقهی زردشتی نیز ، مانند روایات داراب هر مزد یار و فرضیات نامه<sup>۲</sup> داراب «پالن» ( Pâhlan ) به چنین مطلبی بر نمی‌خوریم . در نامه<sup>۳</sup> پهلوی «شایست» نه شایست<sup>۴</sup> هم که از «دندان فریش» سخنی به میان آمده است (بخش ۱۰ ، بند ۲۰) یادی از به زمین مالیدن سر آن نشده است ، در صورتی که اگر چنین کاری کرده می‌شد ، یا انجام دادن آن از واجبات بود ، این بند جای مناسبی برای ذکر این مطلب می‌بود . در افسانه‌های ایرانی و حتی در خرافات مربوط به این سر زمین نیز چنین چیزی یافت نمی‌شود . چون چنین دستوری در هیچ جا نیامده است و با هیچ منطق و خرد و دین و سنت و افسانه و خرافاتی هم سازگار نیست ، مایه<sup>۵</sup> شگفتی است اگر دستوری به بهدینی ، برای دور داشتن اهریمن و آفریدگان پلیدش توصیه کند که پیش از آغاز میزند و دست گشادن به خورش‌های فراوان ، سر دندان فریش یا خلالی را که پس از دست کشیدن از خوراک دندان‌های خود را با آن پاک می‌کند به زمین بمالد !

اگرچه زمین در دین زردشتی (مانند مسلمانی) از مطهرات است ولی به کار تطهیر

۱ - چون آندراج ، برهان ، رشیدی .

خلال نمی خورد و برای پاک کردن کفش و پای افزار و مانند آن توصیه شده است . پس در برگزاری میزد چیزی را که به زمین می مالند یا باید بمالند نباید آورگیر (که نمی دانیم چیست) و دندان پریش باشد . مییزد مهانی و اطعامی است که برای برآورده شدن نیازی به نام یکی از امشاسپندان و ایزدان می آراسته اند و جنبه دینی داشته است و همان رسمی است که امروزه به نام « سفره » برگزار می شود .

به نظر من این سرو روی است که درین هنگام به زمین مالیده می شود و سجده شکر است که بجای آورده می شود . به سخن دیگر ، در هنگام آراستن مییزد ، یا سفره دادن ، شکرانفرا ، به زمین یا سفره باید بوسه داد ، هم برای سپاسگزاری به پیشگاه خدای روزی رسان و هم برای اینکه آن سفره به نام یکی از فرشتگان یا بزرگان دینی است و با آدایی که بجای آورده شده و اوراد و نیرنگهایی که بر آن خوانده شده است ، برکت یافته و تقدیس شده است .

سجده شکر ، و هم بوسیدن سفره ، در ایران رسم متروکی نیست بویژه سجده شکر که هر نمازگزار در پایان نماز خویش آنرا انجام می دهد بدین ترتیب که نخست مهر نماز را می بوسد و پیشانی خود را بر آن می نهد و دیگر بار می بوسد و طرف راست روی را بر آن می گذارد و بار سوم می بوسد و طرف چپ روی را بر آن می نهد . و همین است سبب بکار رفتن فعل « مالیدن » در این دو جمله (سنج . روی تضرع به زمین مالیدن) .

اگر دو واژه  $\text{apar sar}$  و  $\text{x'arešn i frēh}$  را که کلید درست خواندن این دو جمله پهلوی است  $\text{apar sar}$  و  $\text{x'arešn i frēh}$  بخوانیم جمله ها معنوی خواهند داد . واژه  $\text{apar sar}$  را بی هیچ تغییری می توان  $\text{apar sar}$  (= بر سر) و واژه دیگر ،

معنی  $\text{x'arešn i frēh}$  را ، با جزئی تغییری بدین شکل :  $\text{x'arešn i frēh}$  (رهد

می توان  $\text{x'arešn i frēh}$  (= خوراک فراوان) خواند . ( و با تغییری بدین شکل :

$\text{javešn i frēh}$  می توان  $\text{javešn i frēh}$  خواند . سنج . بند هفتم همین متن ، واژه

در کتاب ۱۳۷۱۳۳ drāyān javešn که در ایان خورشن خوانده شده است . داراب هر مزد یار نیز در کتاب « روایات » هر جا از این گناه یعنی سخن گفتن در هنگام خوردن ، یاد کرده آن را به نام در ایان خورشنی خوانده است) .  
 من این پرسش و پاسخ را چنین خوانده و معنی می کنم :

§ 18: Porsēd ko abar sar i x'arešn i frēh sar ō zamīg abāyēd mālīdan ayāb nē?

§ 19: Goft hāt abāyēd ēd rāy če maya d i vēhān kaḍ paḍ nērōg (nērang) i yazaḍān konēnd tā(g) mardomān pēš az frēhbūḍ x'arešnīh abar sar i x'arešn i frēh dārēnd ahreman oḍ dēvān vešūḍagān paḍ grānōmandīh [oḍ] anāgīh ēstēnd oḍ kaḍ abar sar i x'arešn [i] frēh sar ō zamīg nē mālēnd ō zēnafzār i ahreman oḍ dēvān rasēḍ, hast [ko] dēvān' paḍ ān nērōg (nērang) drōst tovān kardan .

§ ۱۸ : پرسید که بر سر خورش (= خوراک) فراوان سر به زمین باید مالیدن یا نه؟

§ ۱۹ : گفته شده است که باید ، زیرا که میسزد بهان (= نیکان) که به نیروی

(یا : نیرنگ) یزدان کنند ، تا مردم را پیش از بسیار خواری بر سر خورش فراوان دارند (= آورند) ، اهریمن و دیوان و دیوزادگان با سختی و بدی ایستند و چون بر سر خورش فراوان سر به زمین نمالند (آن میسزد) به زمین افزار اهرمن و دیوان رسد (= جزء سلاح اهرمن و دیوان شود) و هست که (= و نیز گفته اند که) با آن نیرو (یا : نیرنگ) دیوان (دیگر) درست توان کردن .